

زندگیتان در حدیث

www.ketab.ir

پژوهه‌های کاربردی در شناخت دانش‌های حدیثی

به قلم: مدرّسان دانشگاه قرآن و حدیث



نشر جمال
Jamal Publications

www.jamalnashr.ir

www.ketab.ir

دانش حدیث (ویرایش جدید)
پژوهه‌های کاربردی در شناخت دانش‌های حدیثی
به قلم مدرّسان دانشگاه قرآن و حدیث

مدرّسان و اعضای هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث که
پدیدآورندگان این اثر را می‌بخند به ترتیب نام خانوادگی:

هادی حجت، محمّد کاظم رحمان ستایش،
سید محمّد کاظم طباطبایی، احمد غلامعلی،
مهدی غلامعلی، عبدالهادی مسعودی

عنوان و نام پدیدآور: دانش حدیث، پژوهه‌های کاربردی در شناخت
دانش‌های حدیثی به قلم مدرّسان دانشگاه قرآن و حدیث
مشخصات نشر: قم: جمال، ۱۳۹۵ / مشخصات ظاهری: ۳۸۰ ص
شابک: ۷-۵۵۲-۲۲-۹۶۴-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: حدیث/شناسه افزوده: دانشگاه قرآن و حدیث
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۶/شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۹۹۴۳

تمام حقوق مادی و معنوی اثر © برای ناشر محفوظ است.

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۲۴۰۸
اینستاگرام و تلگرام: @jamalnashr

این نوبت چاپ به سفارش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
منتشر گردیده است.

ناشر: نشر جمال
نویسنده: مدرّسان دانشگاه قرآن و حدیث
مدیر فنی چاپ: علی یوسفی
شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: سیزدهم (هشتم از ویرایش جدید) ۱۴۰۳
قیمت: ۱۹۹۰۰۰ تومان
چاپخانه: باران
صحافی: همّت

دفتر انتشارات قم: ۰۲۵-۳۱۶۵۳

نماینده گی تهران: ۰۲۱-۶۶۴۸۷۱۱۸

فهرست اجمالی

- ۱۴ تا ۵ به جای مقدمه
- فصل اول**
۳۰ تا ۱۵ هندسه دانش های حدیثی | سید محمد کاظم طباطبایی
- فصل دوم**
۷۴ تا ۳۱ تاریخ حدیث شیعیه | سید محمد کاظم طباطبایی
- فصل سوم**
۱۰۸ تا ۷۵ آشنایی با اصطلاحات حدیثی | هادی حجت
- فصل چهارم**
۱۵۴ تا ۱۰۹ آشنایی با علم رجال | محمد کاظم رحمان ستایش
- فصل پنجم**
۲۱۲ تا ۱۵۵ روش فهم حدیث | عبدالهادی مسعودی
- فصل ششم**
۲۶۰ تا ۲۱۳ جوامع حدیثی شیعیه | هادی حجت
- فصل هفتم**
۲۹۰ تا ۲۶۱ تک نگاری ها | مهدی غلامعلی
- فصل هشتم**
۳۵۲ تا ۲۹۱ آشنایی با نهج البلاغه | احمد غلامعلی
- ۳۶۲ تا ۳۵۳ کتاب نامه
- ۳۷۹ تا ۳۶۳ فهرست مطالب

به جای مقدمه

■ حدیث، یعنی چه؟

حدیث، یعنی نو، و با حادثه، به معنای پیشامد، هم خانواده است. به سخن هم حدیث می‌گویند، چون نو به نو، پدید می‌آید.

اما مسلمانان، این واژه را برای سخنان همهٔ آدمیان به کار نبردند. آنان، به گفته‌های پیامبر بزرگ خود، محمد ﷺ حدیث می‌گفتند و اگر هم کسی سخنان پیامبر خدا ﷺ را برایشان نقل می‌کرد، به آن نقل قول‌ها هم حدیث می‌گفتند. گفتار زیبای پیامبر ﷺ برای همگان، تازگی است و همه را به خود، جذب می‌کرد. آنان که در محیط جاهلی روزگار خویش، بیشتر ناسور شده و آزار می‌دیدند، در آغاز، آیه‌های زیبای قرآن را با شگفتی تمام شنیدند و سپس، دل به سخنان نغز پیامبری سپردند که آنها را از جنس کلام خود، اما در سطحی فراتر و بالاتر می‌دیدند. قرآن نیز برایشان تازگی داشت، اما آن را از جنس سخن انسان و حتی فرستادهٔ خدا نمی‌دیدند و با همهٔ توانایی‌ها و شیوایی و فصاحت و بلاغتشان، آن را فراتر از دایرهٔ کلام بشری می‌نهادند.

مسلمانان، مجذوب رفتار پیامبر ﷺ هم بودند و بدینسان، حکایت کارها و رفتارها و حتی سکوت‌ها و لبخندهای حاکی از رضایت پیامبر ﷺ هم برایشان تازگی داشت و آن را برای یکدیگر، گزارش می‌کردند و این نقل قول‌ها را نیز «حدیث» می‌گفتند.

پیامبر خدا ﷺ بیست و سه سال در جامعهٔ پیامبری با مردم، زندگی کرد و اندک اندک، با گفتار و رفتار و سکوت و امضای خود، مجموعهٔ بزرگِ نانوشته، اما پیدا و پدیداری را پدید آورد و در هر نقطه، از دو راهی‌های زندگی، نشانی از هدایت نهاد و در هر دلی، نهالی کاشت تا باروری آن را در دنیای آیندهٔ مسلمانان، به تماشا بنشینند.

پیامبر ﷺ در این سال‌ها، مانند هر انسان عادی دیگری می‌زیست، با همسران و فرزندان و دوستان و همسایگان و درخواست کنندگان و حتی مخالفان و دشمنان خود، به سادگی سخن می‌گفت و مانند دیگر آدمیان می‌خورد و می‌نشست و راه می‌رفت و می‌خوابید. اصل این گفتارها و رفتارها، برای کسی تازگی نداشت و از این

رو، آنها را حدیث نمی خواندند، هر چند با شکلی زیبا، مؤدبانه و جذاب. همین رفتار و گفتار عادی، نقل مجالس همگان بود و هرگاه مراقبت، مواظبت و مداومت پیامبر ﷺ را بر کاری می دیدند، آن را نیز نقل و به نام سنت و سیره، گزارش می کردند. پس از پیامبر ﷺ نیز، افرادی از خاندانش، بنا به تعیین خداوند، عهده دار ادامه همین مسیر شدند. آنان، علم به قرآن و آگاهی از گفتار و رفتار پیامبر را، پشتوانه سخنان، کارها، و همراهی ها، موافقت و مخالفت های خود قرار دادند. اینان نیز راهبر جامعه بودند و پیشوای مؤمنان و در کنار زندگی عادی و سخنان معمولی خود، هر جا که نیاز پیش می آمد، پیام قرآن را برای معاصران خود، ترجمه می کردند و یا از دل احادیث پیامبر ﷺ، سخنی بجا و مناسب را بیرون می کشیدند و آن را همچون ستاره های درخشان، بر دل آسمان می نشانند. آنان، چنان با قرآن و سنت پیامبر ﷺ، خو گرفته بودند که خود نیز قرآنی ناطق و گفتارشان، حدیثی قابل عمل بود و بدینسان، حدیث، استوار یافت و تمدن اسلامی را برای قرن ها، تازه و باطراوات نگاه داشت و اکنون نیز در پی این تازگی دوباره جانی تازه به کالبد امت اسلامی بدمد. گفتنی است که مسلمانان، از آغاز تا کنون، هرگز دست و پا نکرده اند تا حدیث را برای یکدیگر حکایت می کنند و این حکایت ها را «روایت» می نامند. به شخص گوینده حدیث، محدث و راوی گفته می شود.

■ اگر حدیث نباشد

بسیاری چیزها مانند خورشیدند، چنان روشن و پیدا و اثرگذارند که تا هستند، کمتر کسی به طور کامل به آنها توجه می کند و چون می روند و یا کم فروغ می شوند، چشم ها را به سوی خود می کشند. در فرهنگ اصیل و کهن اسلام و ایران، قرآن و حدیث، چنین هستند. این دو، همراه همیشگی یکدیگر و همزاد تمدن اصیل ایران اسلامی اند و هر دو، نقش های پُررنگی در هویت بخشیدن به اندیشه ها و نگرش های ما دارند. این نقش را می توان از دو دیدگاه «تاریخی» و «تمدنی»، بررسی کرد. دیدگاه تاریخی، تأثیر حدیث را بر علوم اسلامی بررسی می کند و دیدگاه تمدنی، بهره گیری از آن را در علوم انسانی بر می رسد.

■ حدیث و علوم اسلامی

«حدیث، مادر بسیاری از علوم اسلامی و یا همه آنهاست». این جمله، از سخنان مقام معظم رهبری است و به آسانی می‌توان این تأثیر را در همه شاخه‌های علوم اسلامی، نشان داد. در این میان علومی مانند تفسیر قرآن، کلام و عقاید، فقه، ویژه مسلمانان بوده و در بارور کردن و شکوفایی علومی مانند تاریخ و عرفان نیز، اسلام و پیروانش، نقش بسزایی داشته‌اند.

حدیث و تفسیر قرآن

خداوند، قرآن را برای هدایت بشر آسان کرد و فرو فرستاد. از این رو، پیام‌هایش چنان عمومی و همه فهم است که با برقراری ارتباط زبانی (به صورت مستقیم و یا از طریق ترجمه)، همگان آن را در می‌یابند و تنها شرط بهره بردن، داشتن پروای درونی و پرهیز از عناد در برابر حقیقت و انکار کردن آن است. اما قرآن، در بسیاری از موارد، به جزئیات و تفصیل نیاز دارد. این پیام به کلیات و قواعد عمومی و دستورالعمل‌های اجمالی، بسنده کرده است و این مهم را خداوند، به عهده پیامبر نهاده شده است:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ شَيْءٌ أَنْ يَسْمَعُوا قَوْلَكَ وَلَا لِيَأْخُذُوا بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِنْ عَهْدِكُمْ وَلَا بِنِعْمَةِ اللَّهِ أَنْ يُؤْذُوا»^۱ (ازیرا آنان را با دلایل آشکار و نوشته‌ها از شما آزار ندهد و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سنی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان نیندیشند).

آنچه پیامبر ﷺ در بیش از دو دهه پایانی عمر پُربرکت خویش، فرمود و به کار بست، در راستای تفصیل و تبیین همین آموزه‌های نازل شده در قرآن بود. پیامبر بزرگ خدا ﷺ، پیام خدا را توضیح داد و آن را در زندگی شخصی و اجتماعی خود، اجرا کرد و برای آموزش آنها به دیگران کوشید. مجموعه عظیم سخنان و کردار او، یاریگر ما برای دریافت ناگفته‌های قرآن و نیز درک مقصود و فهم پیام‌های اصلی قرآن است و پاسخگوی بسیاری از پرسش‌ها درباره قرآن.

اگر اخلاق نیکو رفتار پسندیده پیامبر ﷺ را هم در این مجموعه در نظر آوریم، آنگاه می‌توانیم نمونه عینی و خارجی آنچه را قرآن در صدد ساختن آن بوده، مجسم

کنیم و فهم قرآن را به لمس و احساس آن، تبدیل نماییم. قرآن، خود، این رهنمود را داده که مسلمانان، باید از پیامبر، الگو گیرند و او را اُسوة خود قرار دهند:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱

زیرا او بر اخلاقی بس بزرگوارانه، سرشته شده است:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۲

اینها همه افزون بر پاسخ‌های صریح در برابر پرسش‌های گاه به گاه مسلمانان از مفاهیم عمیق‌تر قرآن است. قرآن، مانند همهٔ پیام‌های مکتوب الهی، صاحبان افکار بلند و دانشمندان ژرف‌نگر را نیز مخاطب خود می‌داند و بخشی از آیه‌ها و پیام‌های خود را در سطح آنان ارائه می‌دهد. این پیام‌ها، گاه آن‌چنان در ژرفای همین واژگان ساده بیان می‌شوند که به چنگ آوردن آنها، تنها از عهدهٔ کسانی برمی‌آید که با صاحب سخن، خداوند سبحان و فرو فرستندهٔ قرآن، ارتباطی تنگاتنگ دارند و بدینسان، پیامبر ﷺ و سپس جانشینان معصوم، دانا و فرزانهٔ او، پا به عرصهٔ تفسیر، توضیح و کشف مفهومی و مقصودهای نهفتهٔ قرآن می‌نهند. اگر سخنان معصومان علیهم‌السلام نبود، معنای برخی آیات، ارتباط آیات معهده‌ای با قرآن با یکدیگر و همچنین مفهوم آیات متشابه قرآن، روشن نمی‌شد. پیشوایان معصوم، یکی از پس دیگری، علم به ودیعت نهادهٔ الهی را از یکدیگر به ارث بردند و راه‌های نجات‌بخش‌ها به سوی تعالیم اعتقادی، اخلاقی، فقهی و دیگر آموزه‌های عمیق قرآن شدند. نمونهٔ زیر، چگونگی ارتباط‌دهی آیات قرآنی را به وسیلهٔ معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد.

روزی زنی را به ادعای برقراری رابطهٔ نامشروع نزد خلیفهٔ دوم آوردند. دلیل مدّعیان، آن بود که او شش ماه پس از ازدواج، فرزندی را به دنیا آورده است و چون دورهٔ بارداری، حداقل نه ماه است، معتقد بودند که فرزند تولّد یافته، حاصل ارتباط نامشروع زن، پیش از ازدواج است. بر اساس دانش ناقص آن روزگار، دلیل مدّعیان درست می‌نمود و خلیفه می‌خواست به مجازات زن فرمان دهد، که امام علی علیه‌السلام فرمود: «فرزند از آن شوهر همین زن است و زن، کیفر و مجازاتی ندارد.»

وقتی دلیل آن را از امام علیه‌السلام جویا شدند، با ارتباط دادن دو بخش کوتاه از دو آیهٔ

بسیار دور از هم، به راحتی اثبات کرد که جنین شش ماهه نیز می تواند به سلامت، به دنیا بیاید و هیچ اشکالی متوجه زن نیست.

امام علی علیه السلام بخشی از آیه ۲۲۳ سوره بقره^۱ (از جزء دوم قرآن) را در کنار بخشی از آیه پانزدهم سوره احقاف^۲ (در جزء بیست و ششم)، قرار داد و فرمود: «چون مجموع بارداری و شیردهی سی ماه است و قرآن، شیردهی کامل را بیست و چهار ماه می داند، پس به طور معمول، می توان تصور کرد که زنی، شش ماه باردار بوده و بیست و چهار ماه هم شیر داده است».

کار دیگر پیشوایان هدایت، ارائه مصداق های عینی و قابل درک برای برخی آیات قرآن است. همه شما، آیه الکرسی و آیات پس از آن را خوانده اید. اکنون از خود پرسید که معنای بیرون بردن مؤمنان از تاریکی ها به نور به وسیله خدا چیست؟ امام صادق علیه السلام بدین صورت نمونه ای قابل لمس از آن ارائه می فرماید: «مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۳ «مِنَ ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ إِلَى نُورِ النَّوْبَةِ أَوْ الْمَغْفِرَةِ لَوْلَايَتِهِمْ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ»، یعنی به دلیل قبول ولایت و حکومت امام عادل و منصوب از سوی خداوند، از تاریکی گناهان به نور توبه، ره می یابند و بدین گونه، امام صادق علیه السلام، آیه را بر مصداقی خارجی و قابل مشاهده، تطبیق می دهد، هر چند نمونه های مصداق های دیگری نیز برای آن متصور است. تعداد سخنان و آموزه های تفسیری پیشوایان معصوم علیهم السلام از صدها حدیث می گذرد و شامل بخش قابل توجهی از کتاب های حدیثی می شود. برخی دانشمندان حدیث دان و مفسر، از دیرباز این سخنان را گرد آورده و هر حدیث را در مجاروت آیه متناسب آن، جای داده اند. تفسیر العیاشی، نوشته محمد بن مسعود عیاشی، از کهن ترین این تفسیرهاست که تنها بخشی از آن، به دست ما رسیده است.

حدیث و عقاید

قرآن، باطراحی و شکل دهی عقاید مسلمانان و برقراری ستون های (اصول) آن، مانند توحید و عدل، نگاه انسان را به هستی دگرگون کرد و او را با رمز و راز و سایه و نیم سایه آفرینش، آشنا نمود. در کنار قرآن، پیشوایان دین، به رازگشایی از اشاره های قرآن همت گماشتند و در تحکیم عقاید قرآنی کوشیدند. امام علی علیه السلام شگفتی های

۱. ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُبْرِتَ الرِّضَاعَةَ﴾.

۲. ﴿حَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾. ۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۳.

آفرینش را در زیباترین پرنده، طاووس و یکی از کوچک‌ترین جنبندگان، مورچه، به رخ می‌کشد و با خطبه‌های بلند و عمیق خود که در آغاز نهج‌البلاغه آمده است، در حدّ فهم برخی از مخاطبان خویش، تصویری از بخش پنهان هستی ارائه می‌دهد. امام سجّاد علیه السلام نیز در جامه دعا، پوشش رحمت و شفقت خدای رحمان را در پیشدید ما می‌نهد و امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام، در گفتگوها و مناظرات خود با زندیقان، مسیحیان و یهودیان و سایر دگراندیشان، حقانیت اصول اعتقادی و باورهای عقیدتی مسلمانان را مستدل ساخته‌اند. معصومان علیهم السلام گاه دست انسان را نیز گرفته، با خود به عوالم نارفته بشر می‌برند و از قبر و عالم برزخ و وقایع روز محشر و چگونگی حساب و عقاب، آگاهمان می‌سازند و هشدارهای خود را همچون تازیانه سلوک، بر هوا و هوس ما می‌نوازند تا باریکی و تاریکی راه را در نظر آوریم و با توسّل به مانوس هدایت و شفاعت، بتوانیم از صراط باریک‌تر از مو و تیزتر از شمشیر، اما مستقیم و راست، به سلامت بگذریم و به بهشتی که خود برایمان توصیف کرده‌اند، برسیم.

مجموعه سخنان معصومان علیهم السلام در عرصه عقاید و شناخت هستی، چنان فراوان است که آبشخور علم گسترده کلام علیهم السلام این علم را چنان تناور ساخته که پهلوی پهلوی فلسفه می‌زند. خوشبختانه، بسیاری از این سخنان اعتقادی در «دانشنامه عقاید اسلامی»، گرد آمده و بر حسب موضوعات کلامی: «سرچشمه‌های معرفت، توحید و صفات خدا، عدل، نبوت و...» تدوین شده است.

حدیث و فقه

بسیاری از احکام شریعت، بر اساس تعبّد و برای پرورش روح تسلیم و فرمانبردار در برابر خدای هستی است. خدای آفریننده ما و دانا به نیازها، ضرورت‌ها و بایسته‌ها و شایسته‌های زندگی، بخشی از این احکام را در قرآن، بیان کرده و بیان بخش عمده‌تری را به عهده پیامبر و جانشینان بر حقّ او نهاده است. چگونگی عملکرد انسان با خود، با خدای خود و هموعان خود، همه به وسیله گفتار و کردار پیشوایان دین، تعیین، مرزبندی و مشخص شده است. چه چیزهایی ضروری و لازم‌اند و چه چیزهایی مناسب‌اند، هر چند ضروری نیستند. چه چیزهایی همیشه لازم است و چه چیزهایی وابسته به وضعیت و موقعیت انسان است؟ و هر یک از اینها، به چه شکل و تا چه اندازه باید به انجام برسند، و کمتر و بیشتر از آن، برای انسان چه زیان‌هایی دارد؟

اینها همه و همه، در حدیث آمده است و فقیهان، برای یافتن حکم این امور، در کنار قرآن به گنجینه بی نظیر حدیث، مراجعه می کنند.

اگر حدیث نبود، فقیهان، ناگزیر بودند که به رأی و حدس خود، عمل کنند و در این صورت، پیروی و تقلید از آنان، لازم نبود و اساساً معلوم نبود که ما به کجای رفتیم و به کدام مقصد می رسیدیم؛ اما اکنون که حدیث، پاسخ پیشوایان به پرسش های مشابه پرسش های امروز را به ما رسانده است، چگونگی و شروط وضو و نماز و روزه و حج و جهاد و خمس و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و هزاران حکم جزئی و کلی اعمال دیگر خود را از حدیث برمی گیریم و با خیالی آسوده و دلی مطمئن به حکم برخاسته از درون رهنمودهای گفتاری و کرداری پیشوایان معصوم علیهم السلام عمل می کنیم و در واقع، زندگی خود را بر اساس این آموزه های فقهی، بنا می کنیم.

حدیث و فقه، چنان به هم پیوسته و در هم تنیده اند که بیشتر جوامع روایی، یعنی کتاب های حدیثی دائرة المعارف گونه، به وسیله فقیهان و برای رفع نیاز شریعت، نوشته شده است.

نمونه بزرگ این کتاب ها، و سائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، تدوین شیخ حر عاملی، با بیش از سی و پنج هزار متن حدیثی است که برآمده از حدود هشتاد کتاب کوچک و بزرگ حدیثی است.

یک مثال جالب توجه، احادیثی است که چگونگی وضوی پیامبر را شرح می دهد. اینک یکی از این روایات را می آوریم:

... زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ حَكِي لَنَا أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ فَدَعَا بِقَدَحٍ فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ فَأَسْدَلَهُ عَلَى وَجْهِهِ ثُمَّ مَسَحَ وَجْهَهُ مِنَ الْجَانِبَيْنِ جَمِيعاً ثُمَّ أَعَادَ يَدَهُ الْيُسْرَى فِي الْإِنَاءِ فَأَسْدَلَهَا عَلَى يَدِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ مَسَحَ جَوَانِبَهَا ثُمَّ أَعَادَ الْيُمْنَى فِي الْإِنَاءِ فَصَبَّهَا عَلَى الْيُسْرَى ثُمَّ صَنَّعَ بِهَا كَمَا صَنَّعَ بِالْيُمْنَى ثُمَّ مَسَحَ بِمَا بَقِيَ فِي يَدِهِ رَأْسَهُ وَرِجْلَيْهِ وَ لَمْ يُعِدْهُمَا فِي الْإِنَاءِ.^۱

حدیث و اخلاق

برای نشان دادن تأثیر حدیث، یعنی گفتار و کردار پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام بر اخلاق

مسلمانان، از روش جعفر بن ابیطالب، کمک می‌گیریم. وقتی فرستادگان قریش و مسلمانان مهاجرت کننده به حبشه، به مجلس نجاشی، پادشاه حبشه، وارد شدند، نماینده مهاجران، جعفر، برای تشریح وضعیت مسلمانان، جامعه پیش از پیامبر را با آنچه پیامبر در صدد ساختنش بود و بخشی را هم تحقق بخشیده بود، برای نجاشی، مجسم کرد. بیشتر آنچه او بدانها اشاره کرد، آموزه‌های اخلاقی، و تغییر دادن رفتار از زشتی و بدی به زیبایی و نیکی است. به سخن دیگر اخلاق عملی در اسلام، به طور مستقیم و کاملاً روشن، از قرآن و سپس، سخنان و عملکرد پیامبر اکرم و پس از ایشان، از سیره ائمه اطهار و دیگر پیشوایان دینی سرچشمه می‌گیرد.

مسلمانان می‌دیدند که پیامبر ﷺ با همه فضائل و جود و بلند مرتبگی اش در بارگاه الهی، در کنار آنها می‌نشیند و زیر گرمای آفتاب منطقه حجاز، با حوصله، به درد دل‌های پیرزنی گوش می‌سپارد؛ یا به پای آنان، برای ساختن مسجد، سنگ می‌آورد و توهین‌ها و درشتنالی‌های بسیاری از اعراب جاهلی را تاب می‌آورد و جز به نرمی و لطافت، سخن نمی‌گوید و حتی به مدارا و دوستی فرمان نمی‌دهد و با این همه، به گاه دفاع از مدینه و زنان و کودکان و دارایی مسلمانان، زودتر از همه بر مرکب خویش سوار می‌شود و در میدان رزم، جلوتر از همه با دشمنان خونخوار و جسور می‌جنگد، آن گونه که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

کسی را شجاع می‌دانستیم که همگام پیامبر باشد و دوشادوش پیامبر خدا مبارزه کند.

پندها و رهنمودها، در کنار دستگیری‌ها و یاری‌های پیامبر ﷺ، راستی آنچه را که می‌گفت و عمل به آنچه می‌فرمود، به مسلمانان، نشان می‌داد و مسلمانان، به روشنی، معنای خُلُق عظیم^۱ را - که نشان نیکویی خداوند به محمد بود، می‌فهمیدند و به آسانی و با اطمینان کامل قلبی فرمان قرآن را در آسوه قراردادن او می‌پذیرفتند و به تدریج، همان خُلُق و خو را در خود پدید می‌آوردند و نشر می‌دادند.

این راه تابناک با دوازده خورشید دیگر همچنان روشن ماند و بخش قابل توجهی از سخنان امامان و رفتار معصومان علیهم السلام، آموزه‌های اخلاقی است و گاه، ارائه قواعد و دستورهای کلی و عمومی اخلاق، مانند قاعده طلایی اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ

غَيْرِكَ - فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَاتَّكِرْ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا.^۱

خوشبختانه، بسیاری از آموزه‌های اخلاقی معصومان، به صورت احادیث مستند و بخشی هم بدون سند حکایت شده و به کتاب‌های کوچک و بزرگ حدیثی راه یافته است. اکنون، بخش بزرگی از کتاب‌های حدیثی الکافی، کتاب من لا یحضره الفقیه، بحار الأنوار و در دوره جدید میزان الحکمة، احادیث اخلاقی است و کتاب‌های حدیثی کهن و معتبری مانند الخصال صدوق، المحاسن برقی، و مکارم الأخلاق و مشکاة الأنوار طبرسی‌ها، تقریباً ویژه اخلاق است.

به یقین می‌توان گفت: موعظه‌ها و نصیحت‌های واعظان سده‌های نخست اسلام بر آیات و احادیث استوار بوده است و تا آنگاه که اخلاق حکیمان یونان از طریق ترجمه، به عرصه جامعه اسلامی پانهاد، تنها منبع اصلی درس‌های اخلاق و منبرهای پند و اندرز، قرآن و سنت بوده است. پس از ورود آرای حکیمان اخلاقی یونان نیز، حدیث، همچنان در کنار قرآن، نقش پررنگی در تدوین رساله‌های اخلاقی و تشکیل جلسات اخلاقی داشته است و کتاب‌های حدیث، یکی از اصلی‌ترین منابع مورد مراجعه عالمان اخلاق بوده است. امروزه نیز اس‌های اخلاق در کتاب‌های مرتبط، عموماً آکنده از حدیث است و اگر حدیث را از آنها کنار بگذاریم، جز چند جمله مشهور و اشعار زیبا، چیزی نمی‌ماند. جالب توجه این که بسیاری از این اشعار و جمله‌های مشهور اخلاقی نیز یا ترجمه حدیث هستند و یا الهام گرفته از آن، که انشاءالله در درس «تأثیر حدیث بر ادب پارسی»، به آن پرداخته می‌شود.